



لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در عملیات کربلای ۵

سردار سرتیپ محمد کوثری و تیم همراه

تنظیم: سیدمحمد طباطبایی*

سردار محمد کوثری از فرماندهان هشت سال دفاع مقدس، به همراه سردار احمد بیگدلی در دوره دوم انتقال تجارب فرماندهان حضور یافت تا گوشه‌هایی از تجارب فرماندهی خود را در جنگ برای دانشجویان دافوس بیان کند. سردار کوثری بعد از شهادت عباس کریمی، از سوی فرماندهی کل سپاه به عنوان فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) تعیین شد. فرماندهی در مقاطع حساس دوران میانی جنگ شامل عملیات‌های بزرگ والفجر ۸ و کربلای ۴ و ۵ و عملیات‌های سال‌های پایانی جنگ، کوله‌باری از تجارب ارزشمند فرماندهی را برای وی به همراه داشته است که در این دوره فرصت شد گوشه‌ای از آنها در اختیار دانشجویان قرار گیرد. مهم‌ترین محورهای مطرح‌شده در این نشست شامل موارد زیر بود: اشاره به سابقه تشکیل لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، بررسی دو نگاه متفاوت در مدیریت جنگ (نگاه اعتقادی و نگاه سیاسی)، بررسی مباحث جلسات فرماندهان در تعیین منطقه عملیاتی کربلای ۵، شرح عملیات و نبرد سخت در کانال ماهی و معنویت و عقلانیت در جنگ.	چکیده			

سردار محمد کوثری فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) دل‌ها را هم تسخیر کند. این دو وجه فرماندهی اهمیت در دوران دفاع مقدس در موقعیت اردوگاه میثاق با شهدا در آبادان و در جمع دانشجویان دافوس سپاه، ضمن قدردانی از راه‌اندازی قرارگاه انتقال تجارب فرماندهان جنگ، در مقدمه سخنان خود مطالبی را با موضوع شاخصه‌های فرماندهی و لزوم انتقال تجارب فرماندهان بیان و اظهار کرد:

«فرماندهی در جنگ موضوع مهمی است که باید به آن پرداخته شود. یک فرمانده ضمن اینکه در سازماندهی، طراحی و هدایت عملیات نقش کلیدی دارد، باید بتواند

زبادی دارد. فرماندهی در دوران جنگ بستر بروز و ظهور استعدادهای جوانان این کشور بود که امروز لازم است در اختیار نسل جدید فرماندهان قرار گیرد.»

سابقه تشکیل تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص)

سردار کوثری در شروع بحث خود با اشاره به سابقه تشکیل تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) گفت:

«هفدهم بهمن سال ۱۳۶۰، آقا محسن رضایی

* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال پانزدهم □ شماره پنجاه و هشتم □ زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶

لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در عملیات کربلائی ۵

تهدید بصره و حرکت به سمت این شهر استراتژیک عراق بود. در واقع ما در والفجر ۸ به جاده فاو - بصره رسیده بودیم که اگر در عملیات کربلائی ۴ از سمت خرمشهر و جزایر ام الرصاص و ابوالخصیب، جاده مهم فاو - بصره را ادامه می دادیم، می توانستیم طرح تصرف بصره را تکمیل و نهایی کنیم.

عملیات کربلائی ۴ حدود ۸ تا ۱۲ ساعت بیشتر طول نکشید. درگیری با دشمن از سمت جزیره مینو خیلی شدت داشت. در همان ساعات اولیه یک سری یگانها در قسمت پنج ضلعی در محور شلمچه و همچنین جزیره ام الرصاص موفق شده بودند در خطوط دشمن نفوذ کنند، اما به دلیل هوشیاری دشمن و اطمینان از لورفتن عملیات، فرماندهی عملیات در قرارگاه مرکزی، دستور عقب نشینی را به همه یگانها صادر کرد.

این عدم الفتح لطف الهی نهفته بود. به نظر من در این عملیات ما دچار غرور شدیم. آن قدر از سطح آمادگی رزمی و طرح و برنامه عملیات مطمئن بودیم که بچه های قرارگاه کربلا در لب اروند خیلی نزدیک به خطوط دشمن موضع گرفته بودند، یعنی خیلی جلو رفته بودند و اینها نشان دهنده اطمینان به پیروزی حتمی در این عملیات بود. البته این گونه نشد و در نهایت مجبور به عقب نشینی شدیم.

صبح روز ۴ دی ۱۳۶۵ قرارگاه فرماندهی کل، پایان عملیات را اعلام کرد؛ در حالی که همه نیروهای یگانها در خطوط مقدم بودند و تجهیزات در منطقه مستقر بودند و هواپیماهای دشمن مرتب می آمدند و منطقه را بمباران می کردند. به هر ترتیبی بود همه نیروها را مرحله به مرحله از منطقه خارج کردیم و همگی در عقبه یگانها مستقر شدند.»

از احمد متوسلیان و محمدابراهیم همت دعوت کرد تا درباره تشکیل تیپ از آنان نظرخواهی کند. یعنی قبل از عملیات فتح المبین مقدمات تشکیل تیپ ۲۷ فراهم شد و این تیپ با فرماندهی حاج احمد متوسلیان شروع به کار کرد. حاج احمد متوسلیان یک مجاهد به تمام معنا و با سابقه انقلابی گری بود. محمود شهبازی هم استاد قرآن و نهج البلاغه و شهید همت هم معلمی دلسوز با سابقه مبارزاتی بود.

نکته حائز اهمیت درباره عمده فرماندهان سپاه در دوران جنگ این است که این فرماندهان سن و سال زیاد و سابقه نظامی گری آن چنانی نداشتند، اما با روحیه جهادی و مخلصانه و با انگیزه الهی کارهای بزرگی را در دوران جنگ انجام دادند.»

سال ۱۳۶۵ و عملیات سرنوشت ساز

سردار کوثری در ادامه با تحلیل حوادث جنگ در سال ۱۳۶۵، عملیاتهای اجرا شده در این سال را پیروزمندانه دانست و افزود: «در سال ۱۳۶۵ پس از عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) جنگ به یک نقطه پایانی نزدیک می شد. به هر حال والفجر ۸ عملیات بزرگی بود که با پیروزی فوق العاده رزمندگان اسلام، نه تنها عراق بلکه سردمداران شرق و غرب (شوروی و آمریکا) را به وحشت انداخت؛ همین طور کشورهای منطقه مثل کویت و عربستان که از نتایج این عملیات حسابی ترسیده بودند. ایران ابتکار عمل را در جبههها به نفع خود به دست گرفته بود و با بیرون راندن و تعقیب متجاوز، دشمن را به وحشت انداخته بود.

عملیات کربلائی ۴ در واقع در امتداد اهداف عملیات والفجر ۸ طرح ریزی شده بود. در این عملیات، هدف



از راست: سردار سرتیپ دوم هادی مرادپیری مسئول برگزاری دوره انتقال تجارب فرماندهان دفاع مقدس، سردار محمد کوثری فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در دوران دفاع مقدس و سردار احمد بیگدلی از مسئولان اطلاعات عملیات لشکر، اردوگاه میثاق آبادان، اردیبهشت ۱۳۹۵.

تصمیم‌گیری برای غلبه بر ناکامی کربلای ۴

فرماندهان سپاه مأمور شدند تا در مناطق مرزی به بررسی میدانی بپردازند و یک نقطه را برای عملیات پیشنهاد دهند. اصرار مسئولان و فرماندهان عالی جنگ این بود که باید بلافاصله بعد از کربلای ۴، خیلی سریع علیه دشمن عملیات جدیدی طراحی و اجرا شود. سلسله جلسات مفصلی با حضور فرماندهان سپاه در فاصله بین عملیات کربلای ۴ و ۵ برگزار شد. حدود ۳۶ تا ۴۰ ساعت جلسات فشرده با حضور مسئولان و فرماندهان سپاه در حضور آقای هاشمی و آقا محسن رضایی تشکیل شد. فرماندهان یگان‌ها، دغدغه‌ها و نقطه‌نظرات خود را درباره مشکلات و مسائل منطقه عملیاتی جدید با فرمانده‌شان در میان می‌گذاشتند تا درواقع به تصمیم درست در این زمینه کمک کرده باشند. البته در اکثر این جلسات آقای هاشمی رفسنجانی هم حضور داشت. یادم هست روز چهارشنبه‌ای بود که از تهران تماس گرفتند و از آقای هاشمی خواستند که برای نماز جمعه بروند تهران؛ که ایشان با عصبانیت گفتند که

سردار کوثری ضمن تأکید بر وجود نگاه‌های متفاوت به جنگ و مدیریت آن، اظهار کرد: «در جنگ، ما با دو نگاه مواجه بودیم: یک نگاه که درواقع حضرت امام بر آن تأکید می‌کردند و آن "جنگ جنگ تا رفع فتنه" بود؛ یعنی تا خاموش کردن فتنه، درمقابل دشمنی که درمقابل دین خدا ایستاده، می‌ایستیم. یک نگاه دیگر این بود که "جنگ جنگ تا یک پیروزی"؛ یعنی با یک پیروزی بزرگ و سرنوشت‌ساز، کار جنگ تمام می‌شود. برخی از مسئولان ازجمله آقای هاشمی رفسنجانی در جنگ به‌دنبال یک پیروزی بزرگ بودند تا به‌وسیله آن بتوانند از طریق دیپلماسی و فشار بر دشمن، کار جنگ را خاتمه دهند.»

ایشان سپس با توجه به عدم‌الفتح در عملیات کربلای ۴، به سلسله جلسات فرماندهان سپاه به‌منظور تعیین منطقه عملیاتی کربلای ۵ اشاره کرد و دراین‌باره گفت: «وقتی عملیات کربلای ۴ با عدم‌الفتح مواجه شد، چند تیم از

لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در عملیات کربلای ۵

نهایی گرفته شد. جمع‌بندی جلسه آخر این شد که ما برای عملیات در هر نقطه دیگر، حداقل به ۲ ماه زمان برای طرح‌ریزی عملیات و جابه‌جایی و استقرار نیروها و تجهیزات نیاز داریم. از طرفی هم فرماندهان عالی جنگ تأکید بر اجرای سریع عملیات داشتند. بنابراین با زمان کمی که در اختیار بود، بهترین منطقه برای عملیات بعدی منطقه شلمچه تعیین شد.»

سردار کوثری در ادامه ضمن اشاره به دلایل عمده انتخاب منطقه شلمچه برای عملیات کربلای ۵ افزود: «نکته قابل توجه این است که منشأ انتخاب این منطقه، موفقیت بچه‌های لشکر ۱۹ فجر و ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) در محور شلمچه بود. نیروهای این یگان‌ها در عملیات کربلای ۴ موفق شدند از این محور در خطوط دشمن در منطقه پنج‌ضلعی نفوذ کنند و در واقع همین موضوع محور تصمیم نهایی فرماندهان برای انتخاب شلمچه به‌عنوان منطقه عملیات کربلای ۵ شد. از زمان نهایی شدن تصمیم انتخاب منطقه عملیات تا شب عملیات فقط ۷ روز فرصت داشتیم.

از فردای جلسه تصمیم‌گیری، قرارگاه‌ها و یگان‌های تابعه و مأموریت هر یک مشخص شد. ۳ قرارگاه اصلی عملیات شامل کربلا، نجف و قدس بودند. در عملیات کربلای ۵ قرارگاه کربلا مأموریت خط‌شکنی و قرارگاه قدس مأموریت حرکت در عمق داشت. در طراحی اولیه قرار بود که لشکر ۲۷ زیر نظر قرارگاه قدس عمل کند، ولی در دقایق آخر ابلاغ کردند که باید تحت فرماندهی قرارگاه کربلا وارد عمل شوند.

اولین و ضروری‌ترین مأموریت در یگان‌ها، موضوع شناسایی محور عملیاتی بود؛ چراکه این

بیبیم در نماز جمعه چه بگویم؟ به‌رحال ایشان فرمانده عالی جنگ محسوب می‌شدند و نماینده امام بودند. از طرفی بعد از عملیات کربلای ۴ فضای سنگینی ایجاد شده بود و باید سریع‌تر برای یک عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز تصمیم‌گیری می‌شد.

حدود ۲۵ فرمانده که عمدتاً فرمانده یگان‌ها و قرارگاه‌های رزمی سپاه بودند، در این جلسات حضور داشتند. مباحث زیادی مطرح شد. به‌رحال، فرماندهان ملاحظات و نکاتی

درباره انتخاب منطقه عملیات کربلای ۵ داشتند. در یکی از این جلسات، من به‌همراه شهید خرازی و یکی دیگر از فرماندهان تأکید کردیم که این‌طور نیست که این‌اشکالاتی که فرماندهان مطرح می‌کنند بهانه‌ای باشد برای ن جنگیدن؛ ما آمده‌ایم که عاشورایی ب‌جنگیم. ما قواعد جنگ عاشورایی را خوب می‌شناسیم. ما آمده‌ایم که شهید شویم.

همین‌طور زمان می‌گذشت و جلسات فرماندهان در نوبت‌های مختلف بدون نتیجه ادامه داشت. تا اینکه در یکی از جلسات پایانی آقای هاشمی با فرماندهان اتمام حجت کرد و گفت: "۲۵ فرمانده حرف زدید، ولی دو نفر مثل هم نظر ندادند. هر کسی یک جور فکر می‌کند. باید تصمیمتان را سریع‌تر نهایی کنید و شب جمعه آینده آماده عملیات باشید."

در یک جلسه دیگر، آقا محسن رضایی فرماندهان را جمع کرد. تا صبح گفت‌وگو داشتیم و بالاخره تصمیم

سردار کوثری:

فاصله بین کربلای ۴ و ۵ جلسات فشرده‌ای برگزار شد. در یکی از جلسات پایانی آقای هاشمی با فرماندهان اتمام حجت کرد و گفت: "۲۵ فرمانده حرف زدید، ولی دو نفر مثل هم نظر ندادند. هر کسی یک جور فکر می‌کند. باید تصمیمتان را سریع‌تر نهایی کنید و شب جمعه آینده آماده عملیات باشید."

سال پانزدهم □ شماره پنجاه و هشتم □ زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶																							

تعیین خط حد لشکر ۲۷

در برنامه اولیه قرار بود که لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) زیر نظر قرارگاه قدس عمل کند، اما در شب عملیات اعلام کردند که بروید قرارگاه کربلا. این تصمیم خیلی سریع و یک‌دفعه‌ای ابلاغ شد و مجبور شدیم به هر زحمتی بود بچه‌ها را به خط جدید در پشت کانال ماهی منتقل کنیم. در این مأموریت جدید نیاز به تدابیر مهندسی داشتیم که باتوجه‌به کمبود وقت نتوانستیم

امکانات لازم را در محور جدید پیش‌بینی کنیم.

در طرح مانور لشکر این چنین برنامه‌ریزی کردیم که ابتدا گردان مالک و پشت سر آن گردان عمار وارد عمل شود. طبق طرح عملیات قرار بر این بود که این دو گردان در شب اول از روی پل اول در قسمت نوک کانال ماهی به سمت عمق حرکت کنند.

سردار کوثری:

عملیات کربلای ۵ وسط زمستان بود و به لطف خدا یکی دو روز قبل از عملیات باران و گرد و خاک عجیبی همه منطقه را فراگرفت. عملاً دید دشمن محدود شد و ما توانستیم به راحتی جابه‌جایی نیروها و انتقال تجهیزات را انجام دهیم.

دشمن در این مسیر با تیر تانک حرکت ما را کنترل می‌کرد. اما باین‌حال، در همان شب اول دو گردان مالک و عمار موفق شدند در محور لشکر ۲۵ کربلا از کنار کانال ماهی به سمت دژ ابوذر حرکت کنند. در شب اول به سمت توپخانه دشمن رفتیم و آنجا را تصرف کردیم. منتظر یگان‌های دیگر بودیم که آیا نیروهای خودی تا قبل از صبح می‌توانند الحاق کنند تا در آن صورت به سمت توپخانه دشمن هجوم ببریم و بتوانیم خط تشکیل بدهیم و این توپخانه را به عقب

منطقه عوارض و پیچیدگی‌هایی داشت و می‌آیدین مین و موانع دشمن در آن گسترده بود. بنابراین اولین واحدی که کار خود را با دقت و سرعت شروع کرد، واحد اطلاعات عملیات لشکر بود.

عراق در منطقه ابوالخصیب یک دکل دیدبانی داشت که معروف به دکل پتروشیمی بود. از طریق این دکل همه منطقه را با دوربین‌های خیلی قوی زیر نظر داشت. درواقع دشمن به راحتی هر ترددی را در این منطقه شناسایی می‌کرد.»

امداد الهی

سردار کوثری با تأکید بر وجود فضای سنگین پس از عدم‌الفتح در عملیات کربلای ۴ در میان رزمندگان اسلام، گفت: «بعد از کربلای ۴، دشمن بعثی در خط مقدم، جنگ روانی شدیدی علیه رزمندگان اسلام ایجاد کرد. هر شب برای تضعیف روحیه نیروهای ما اقدام به شلیک تیرهای رسام و منور می‌کرد. البته ما هم به رزمنده‌ها روحیه می‌دادیم. الحمدلله بچه‌های ما دارای ایمان محکم و روحیه خوبی بودند، ولی خب فضای سنگینی بعد از شکست عملیات کربلای ۴ در همه جبهه‌ها حاکم شده بود. به لطف الهی رزمندگان در کنار فرماندهان خود پای کار بودند و خود را برای پیروزی در عملیات بعدی آماده می‌کردند. شرایط سخت بود و زمان خیلی کم، اما با اخلاص و مجاهدت و تکلیف‌گرایی بچه‌ها، کارها بر زمین نماند و همه همراهی می‌کردند. عملیات کربلای ۵ وسط زمستان بود و به لطف خدا یکی دو روز قبل از عملیات باران و گرد و خاک عجیبی همه منطقه را فراگرفت. عملاً دید دشمن محدود شد و ما توانستیم به راحتی جابه‌جایی نیروها و انتقال تجهیزات را انجام دهیم.»

لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در عملیات کربلای ۵

بکشیم؟ بالاخره با روشن شدن هوا و نرسیدن سایر یگان‌ها مجبور شدیم به عقب برگردیم و چاره‌ای جز انفجار توپخانه عراق نداشتیم.

از ضلع شرقی کانال ماهی به سمت ضلع غربی که عبور کردیم، نیروهای ما در مقابل پل اول با موانع بشکل و همچنین در نوک کانال با موانع نونی مواجه شدند. موانع و خاکریزها به صورتی تعبیه شده بود که حالت مقطعی داشته باشند. در این صورت، جان‌پناه خوبی برای عراقی‌ها محسوب می‌شد و از طرفی نفوذ در موانع هم سخت می‌شد. در واقع از عملیات رمضان به بعد، در منطقه شاهد گسترش موانع و پیچیدگی آنها در خطوط دشمن بودیم. عراق از تجربیات ارتش‌های بزرگ دنیا برای ایجاد موانع در خطوط پدافندی خود بهره می‌برد.

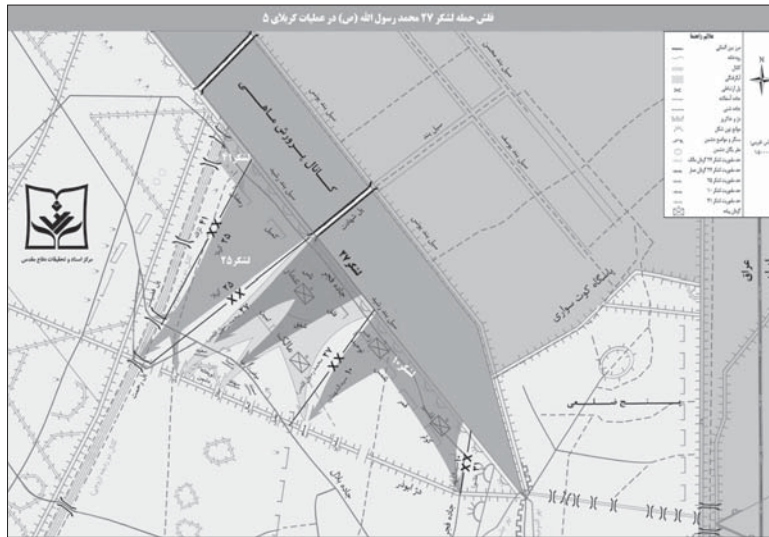
به هر ترتیبی بود بچه‌های مهندسی لشکر توانستند چند دستگاه ماشین تدارک ببینند و به کمک آنها موانع بشکل را به هم متصل کنند. با اتصال این موانع به هم، یک خط پدافندی در مقابل دشمن ایجاد شد. این تدبیر بچه‌های مهندسی قابل تحسین بود. در این شرایط آن چیزی که کار را خیلی سخت کرده بود، حجم سنگین آتش دشمن بود. از طرفی فقط یک پل روی کانال ماهی برای تردد نیروها و تجهیزات در اختیار داشتیم و از این جهت باز هم کار سخت‌تر می‌شد.

بالاخره گردان حاج احمد نوزاد را فرستادیم در عمق. چون خاکریز نداشتیم باید بچه‌ها هرطور شده جناح خود را می‌پوشاندند. بنابراین در گودال‌های ایجاد شده از بمباران دشمن مواضع خود را موقتاً محکم می‌کردند و از این طریق فقط

می‌توانستند چند ساعت بیشتر خط را نگه دارند. به پشت دژ ابوذر که رسیدیم متوجه حضور تانک‌های دشمن شدیم. بچه‌های ما فکر کردند که از شب گذشته کسی از نفرات دشمن در تانک‌ها نیستند و برنامه گذاشتیم که صبح برویم سراغ تانک‌ها. ولی به محض روشن شدن هوا، عراق به وسیله همان تانک‌ها پانک سنگینی به راه انداخت و از ۴ طرف ما را مورد هدف قرار داد. با سخت شدن وضعیت، بچه‌ها را پشت خاکریز در جلو کانال ماهی بردیم. واقعاً عراق باران گلوله به راه انداخته بود. عدنان خیرالله در همان ایام به صدام چنین گزارش داده بود که توانسته‌ایم با شلیک ۲۰۰۰ لوله توپ، ایرانی‌ها را در همان شب اول عملیات به عقب برانیم.

بچه‌های ما در اینجا عاشورایی جنگیدند؛ به دلیل اینکه رساندن مهمات به خط سخت شده بود، لذا بچه‌ها اینجا با دست خالی تا پای جان ایستادند و خط را نگه داشتند. پس از ۲ روز مقاومت، با هدایت قرارگاه کربلا از موانع گسترده و پیچیده دشمن عبور کردیم و پس از یک هفته مقاومت در سمت شرق کانال ماهی مستقر شدیم و خط را آنجا تثبیت کردیم و با استقرار توپخانه، تنومه را زیر آتش داشتیم.

راديو عراق بين کربلای ۴ و ۵ اعلام کرده بود که ما به کمک مشاوران و کارشناسان نظامی ۴ کشور امریکا، شوروی، انگلیس و فرانسه توانسته‌ایم محور شلمچه و خرمشهر را تا ۹۳ درصد با موانع مختلف مسلح کنیم. دشمن در این مناطق از انواع موانع برای پدافند در خطوط خود استفاده کرده بود؛ آب‌گرفتگی، انواع خاکریز، انواع دژ، میادین مین، سیم‌خاردار، سنگرهای بشکل و سنگرهای نونی‌شکل. پس نفوذ رزمندگان



نقشه محورهای حمله لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در عملیات کربلای ۵، دی ماه ۱۳۶۵.

عراق ۱۳۵ تیپ وارد منطقه عملیاتی کربلای ۵ کرد که در طول عملیات از ۱۰ تا ۱۰۰ درصد منهدم شد. عملیات کربلای ۵ را می توان نقطه عطف دوران جنگ نامید؛ چرا که بعد از این عملیات دشمن متوجه شد باید جنگ را خاتمه دهد. دشمن با خود تحلیل می کرد که ایرانی ها وقتی توانسته اند این گونه به مواضع مستحکم ما نفوذ کنند، ادامه جنگ برای عراق خطرناک خواهد بود. در واقع بعد از کربلای ۵ بود که دشمن مقدمات قطعنامه ۵۹۸ و آتش بس را فراهم آورد.»

دوره انتقال تجارب و مهارت بازی جنگ

پس از اتمام سخنان سردار محمد کوثری، نوبت به سردار احمد بیگدلی رسید که در دوران دفاع مقدس سابقه مسئولیت در واحد اطلاعات - عملیات لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) را داشته است. وی در ابتدای صحبت های خود با اشاره به اهمیت برگزاری دوره

ایرانی در خطوط دشمن با این وضعیت خیلی به سختی صورت گرفت. البته عبور نیروهای ما از موانع گسترده دشمن در عملیات کربلای ۵ نشان داد که شناسایی بچه های اطلاعات خیلی دقیق بوده است. بچه های ما واقعاً در فرصت کم توانستند کار بزرگی انجام دهند.

استقرار چنین مواضع و موانع مستحکم نشان از اهمیت بندر بصره در نزد عراق هم داشت. ما در این محور ۵-۶ عملیات داشته ایم. واقعاً عملیات در این محور با سختی همراه بود. مقام معظم رهبری جمله ای دارند با این مضمون که "رزمندگانی که در کربلای ۵ بودند، اگر در عاشورا هم حضور داشتند امام حسین (ع) را یاری می کردند." واقعاً می توان گفت که سخت ترین و دشوارترین نبرد دوران جنگ از حیث حجم آتش دشمن و وجود موانع گسترده و همچنین تعداد شهدا و مجروحان، همین عملیات کربلای ۵ است. البته در این عملیات تلفات و خسارت به دشمن هم زیاد بود. برابر اخبار، همان موقع

انتقال تجارب فرماندهان جنگ تشکیل قرارگاه انتقال تجارب دفاع مقدس را مصداق زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا دانست که اجر و پاداش بزرگی دارد. وی در این باره گفت:

«این حرکت واقعاً ارزشمند و دارای اهمیت فوق العاده‌ای است؛ چراکه در این هشت سال دفاع مقدس، عبرت‌ها و درس‌هایی نهفته است که اهمیتشان از نبردها و اتفاقات این دوران بیشتر است. این نبردها و عملیات‌های دوران

دو نگاه به جنگ

به‌طور کلی دو نگاه به مدیریت جنگ در کشور وجود داشت؛ یکی نگاه امام که با شعار "جنگ جنگ تا رفع کل فتنه از جهان" مطرح می‌شد که عمده فرماندهان سپاه نیز چنین دیدگاهی داشتند و یک نگاه دیگر هم تفکر برخی از سیاسیون کشور بود و با شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" مطرح می‌شد.

راهبرد دوم معتقد بود جنگ را با یک عملیات پیروز و سرنوشت‌ساز به اتمام خواهیم رساند. یعنی با یک عملیات بزرگ و پیروزمند، دشمن را مجبور می‌کنیم پای میز مذاکره بیاید و سعی خواهیم کرد در مذاکرات از او امتیازاتی بگیریم. در این تفکر، ما به یک پیروزی نسبی با شرط و شروط دست پیدا می‌کردیم. اما از نگاه امام و حرکت بر مبنای راهبرد و اندیشه ایشان، ما به یک پیروزی قطعی و بزرگ‌تر دست می‌یافتیم.

اهمیت منطقه عملیاتی کربلای ۵ برای عراق

منطقه عملیاتی کربلای ۵ آن قدر برای عراق اهمیت داشت که بهترین یگان‌های خود را شامل سپاه‌های ۱-۳-۴-۶-۷ وارد این منطقه کرده بود. همچنین لشکر گارد ریاست جمهوری عراق که ذخیره نیروهای

سردار بیگدلی:

به‌طور کلی دو نگاه به مدیریت جنگ در کشور وجود داشت؛ یکی نگاه امام که با شعار "جنگ جنگ تا رفع کل فتنه از جهان" مطرح می‌شد که عمده فرماندهان سپاه نیز چنین دیدگاهی داشتند و یک نگاه دیگر هم تفکر برخی از سیاسیون کشور بود و با شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" مطرح می‌شد.

فرماندهان این است که مهارت "بازی جنگ" را در شما فرماندهان آینده ارتقا می‌دهد؛ زیرا در این دوره از نزدیک با زمین و جغرافیای مناطق عملیاتی آشنا می‌شوید. از طرفی رخدادها و حوادث هر منطقه را از زبان فرماندهان می‌شنوید و این یعنی اینکه این دوره، حالت تصنعی ندارد و آموزش واقعی در کار است. طبیعی بودن آموزش خیلی چیز ماندگاری

ضلع غربی پل را انتخاب کردیم؛ چون با این موقعیت، اولاً همه پل در تصرف ما قرار می‌گرفت و ثانیاً از طرفی عملیات انهدام پل سریع‌تر و راحت‌تر انجام می‌گرفت. این پل ۱۰۵۰ قدم بود و اولین اقدام ما قبل از انهدام آن این بود که می‌بایست بچه‌های گردان‌ها را از منطقه تخلیه می‌کردیم. همه بچه‌های گردان حمزه را که در این منطقه مستقر بودند بجز یک دسته تخلیه کردیم. هر

سردار بیگدلی:

منطقه عملیاتی کربلای ۵
آن‌قدر برای عراق اهمیت داشت
که بهترین یگان‌های خود را
شامل سپاه‌های ۱-۳-۴-۶-۷
وارد این منطقه کرده بود. در
این عملیات در مقابل خط حد
لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)
نیروهای گارد ریاست جمهوری
عراق قرار داشتند.

کاری کردیم این دسته زیر بار عقب‌نشینی از این منطقه نرفت. البته این اتفاق برخاسته از روحیه استقامت و ایمان و غیرت رزمنده‌های مخلص ما بود. از این صحنه‌ها در جنگ زیاد داشتیم که رزمندگان اسلام به همین سادگی زیر بار دستور عقب‌نشینی نمی‌رفتند و در هر شرایطی تا آخرین

نفس ایستادگی می‌کردند. جنگ ما بر دو محور اصلی معنویت و عقلانیت تکیه داشت. ما از این دو اصل برای حل مشکلات بهره می‌گرفتیم. بچه‌ها با همفکری و تلاش بر مشکلات فائق می‌آمدند. به‌هرصورت در روز ۱۱ بهمن ۱۳۶۵ در مرحله اول عملیات کربلای ۵ این پل را منفجر کردیم. البته بعد از انهدام پل، داخل کانال را هم مین‌ریزی کردیم تا عبور و جابه‌جایی نیروها و نفربرهای دشمن سخت و دشوار شود.

ویژه ارتش محسوب می‌شدند در این منطقه مستقر شدند. در این عملیات در مقابل خط حد لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) نیروهای گارد ریاست جمهوری عراق قرار داشتند.

طبق طرح عملیات کربلای ۵، هدف ایران شهر استراتژیک بصره بود. از آن طرف هم عراق در این عملیات همه توان خود را به کار گرفت که بصره از دستش نرود. می‌بینیم که اهمیت زمین از نظر ژئوپلیتیکی در رفتار جنگی طرفین تعیین‌کننده است.

وقتی که حین عملیات (۱۱ بهمن ۱۳۶۵) مجبور شدیم منطقه غرب کانال ماهی را ترک کنیم، به دستور فرماندهی قرار شد پل کانال پرورش ماهی را منفجر کنیم. برنامه از این قرار بود که از سمت خاکریزهای مقطعی ناس و فلق که در پشت جاده فجر قرار داشتند، تأمینی ایجاد کنیم که گردان‌هایی که پشت کانال ماهی بودند بتوانند برگردند و در قسمت سیل‌بند کانال یا ضلع شرقی کانال مستقر شوند.

آنچه ما را در جنگ پیروز کرد معنویتی بود که با آن نصرت الهی را به دست می‌آوردیم. با روحیه ایثار و از خودگذشتگی رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس خیلی از مشکلات و گرفتاری‌ها حل می‌شد. در هشت سال دفاع مقدس یاد گرفتیم که از عقلانیت برای پیشبرد اهداف استفاده کنیم. وقتی فرماندهی دستور انفجار پل کانال ماهی را به ما دادند اولین چیزی که به ذهن می‌آمد این بود که این پل را باید از کجا منفجر کرد؟ این سؤال بر مبنای عقلانیت بود که به‌راستی ابتدا باید از کجای پل شروع کنیم؟

ضرورت تمرین بازی جنگ برای عملیات خیبر

از بچه‌های شناسایی لشکر ۲۷ در محور هور و احتمال لورفتن عملیات، ادامه عملیات آبی برای قرارگاه فتح (شهید همت) منتفی خواهد بود و باید در محور خشکی (طلائی) عملیات را ادامه دهد. با این دستور جدید، طبیعتاً تاکتیک عملیات و طرح مانور هم تغییر خواهد کرد. عملیات در محور طلائی محدودیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه این محور فقط متکی به یک دژ مستقیم است؛ یک دژ با ارتفاع ۴ متر با سنگرهای کوچک کمین که در مقابل کانال ۳۰ متری عراق قرار داشت. از طرفی انواع میداین مین و موانع مختلف در منطقه در مقابل بچه‌های ما قرار دارد. خب در این شرایط به شهید همت گفته می‌شود که با طرح جدید در این محور عملیات کند. شما خودتان را به جای شهید همت این فرمانده ولایت‌مدار و بسیجی قرار دهید.

شب اول زدیم به خط و توانستیم در کانال ۳۰ متری دشمن رخنه کنیم، ولی دشمن تا صبح با پاتک و فشار زیاد توانست این رخنه را جبران کند و مجبور شدیم عقب بکشیم. عدم توفیق لشکر ۲۷ در محور خشکی و طلائی در عملیات خیبر را باید با در نظر گرفتن همه شرایط سخت در منطقه تحلیل کرد. بچه‌های ما واقعاً هر چه در توان داشتند خرج کردند، ولی واقعاً عبور از دژ مستحکم ۳۰ متری عراق کار آسانی نبود.

نگاه ما به عملکرد یگان‌ها در عملیات‌ها باید مبتنی بر درک شرایط مناطق عملیاتی باشد. در بررسی عملیات‌ها و برای انتقال بهتر تجارب فرماندهی در جنگ باید ذهن ما از حالت واکنشی به حالت تحلیلی تبدیل شود. دانشجویان ما باید در این مأموریت "بازی جنگ" را تمرین کنند. یعنی خود را جای فرماندهان قرار دهند و با ذهن تحلیلی به بررسی چگونگی هدایت عملیات بپردازند.»

قبلاً اشاره کردم که قرار است در این دوره تمرین بازی جنگ داشته باشیم. یک مثال از نحوه مدیریت و فرماندهی شهید همت در عملیات خیبر را خدمت شما عنوان می‌کنم. البته قبل از آن شما باید خود را به جای شهید همت در شرایط فرمانده لشکر فرض کنید.

با طرح‌ریزی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) (قرارگاه مرکزی عملیات خیبر)، قرار بر این شد که سپاه تحت امر قرارگاه نجف در محور جزایر و طلائی، و ارتش هم تحت امر قرارگاه کربلا در محور زید عمل کند. بعد از شروع عملیات، ارتش اعلام کرد که به دلیل لورفتن عملیات، قادر به ادامه عملیات نیست. شهید همت طبق طرح عملیات، با در اختیار داشتن گردان‌های مالک و حبیب (از لشکر ۲۷) در قرارگاه فتح، باید یک فشار از سمت جزایر مجنون و یک فشار عمده هم از سمت روبه‌روی طلائی را دفع کند. در این محور مانع عمده یک کانال ۳۰ متری و یک دژ مرتفع با خاکریز دوجداره بود که در مقابل آنها قرار داشت. شرایطی را در نظر بگیرید که دشمن به شدت در این منطقه حساس شده است و ماهر عبدالرشید فرمانده سپاه سوم عراق، مستقیماً در منطقه عملیات جبهه عراق را هدایت می‌کند. این منطقه برای دشمن دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است؛ چراکه از مسیر طلائی به محور تنومه - بصره - نشوه دسترسی آسان وجود دارد. و از آنجایی که بصره بندر استراتژیک عراق محسوب می‌شود، دشمن در مقابل هر گونه تهدیدی در منطقه طلائی با قدرت مقابله می‌کند.

با در نظر گرفتن چنین شرایط حساسی، در دقیقه آخر از قرارگاه مرکزی به شهید همت ابلاغ می‌شود که از آنجایی که قایق به اندازه کافی موجود نیست و با توجه به اسارت ۳ نفر



برادر محمد کوثری فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در جمع تعدادی از مسئولان لشکر.

پاسخ به پرسش‌های دانشجویان دافوس

و با طرح دفاع متحرک اقدام به اشغال شهر مهران کرد. با تأکیدات حضرت امام درباره لزوم آزادی مهران، عملیات کربلای ۱ طرح‌ریزی شد. پس از بررسی‌ها و شناسایی‌های به‌عمل‌آمده، این نتیجه برای فرماندهان حاصل شد که ما برای پیروزی در این عملیات حدود ۹۶ گردان نیرو نیاز داریم، اما همه ظرفیت ما ۳۷ گردان بود. اکنون باید چه کار کنیم؟

ما با همین ظرفیت محدود زدیم به خط و به حول و قوه الهی نه‌تنها مهران آزاد شد، بلکه ارتفاعات قلاویزان را هم تصرف کردیم. با تصرف این ارتفاعات بر شهر زرباطیه عراق مسلط شدیم و این خود یک گام در تقویت جبهه میانی در غرب بود.

نکته دیگری که در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت این است که روحیه دانشجویی و کسب علم در فرماندهان ما فوق‌العاده بود. همین روحیه موجب افزایش دانش آنها هم می‌شد. خیلی از فرماندهان ما با

پس از پایان سخنان سردار کوثری و سردار بیگدلی، دانشجویان حاضر در جلسه سؤالات و ابهامات خود را درباره چگونگی فرماندهی در صحنه جنگ با این دو فرمانده در میان گذاشتند که در ادامه به بخش‌هایی از این سؤالات و پاسخ‌های فرماندهان می‌پردازیم.

سؤال: آیا فرماندهان ما علاوه بر ایمان و شجاعت و جسارت، در هدایت عملیات دانش و تجربه نظامی کافی هم داشتند؟

سردار کوثری: قطعاً فرماندهان ما دانش نظامی و ایمان و شجاعت را توأمان داشتند. عراق بعد از فتح فاو توسط ایران، با راه‌انداختن جنگ روانی، سیاست دفاع متحرک را در جنگ دنبال کرد. دشمن بعثی برای کم‌رنگ جلوه‌دادن پیروزی بزرگ والفجر ۸، چند عملیات آفندی را در مناطق مختلف کلید زد

استعدادی که داشتند در صحنه عملیات و در میدان نبرد کسب تجربه می‌کردند و درس‌ها را در خط مقدم فرا می‌گرفتند.

سؤال: قانع کردن نیروهای تحت امر توسط فرماندهان برای انجام عملیات به چه صورتی انجام می‌گرفت؟ سردار کوثری: قبل از هر عملیاتی کارهای شناسایی گسترده در مناطق انجام می‌شد و نتیجه بررسی‌ها

وقتی در سطح یگان‌ها مطرح می‌شد، نیروها عمدتاً می‌پذیرفتند. اما قانع کردن فرماندهان در سطح قرارگاه فرماندهی کل سپاه کار سختی بود. مثلاً در عملیات والفجر ۸ تقریباً اکثر فرماندهان نمی‌توانستند طرح عملیات را بپذیرند. به‌رحال فرمانده‌ای که قائل به خط‌شکنی نبود، یگان آنها را در مراحل بعدی عملیات وارد خط می‌کردند. البته ناگفته نماند که باوجود

پیام آخر

همه بحث‌ها و اختلافات، درنهایت موضوع در بین فرماندهان حل می‌شد. اخلاص و توکل فرماندهان ما واقعاً نمی‌گذاشت کارها به بن‌بست برسد. سردار بیگدلی: البته یک نکته مهم هم این است که تکلیف‌مداری و ولایت‌مداری رزمنده‌ها و در رأس آنها فرماندهان، عنصر کلیدی بود که در اقناع و پذیرش مسئولیت توسط فرماندهان نقش کلیدی داشت.

سؤال: باتوجه‌به نیاز هر عملیاتی به تدابیر اطلاعاتی و مهندسی، شما فرمودید که برای عملیات کربلای ۵ تدابیر شناسایی و مهندسی خاصی پیش‌بینی نکردید. چرا؟ سردار کوثری: گفتیم که در عملیات کربلای ۵، یگان ما در مرحله دوم وارد عمل شد، بنابراین باتوجه‌به اینکه یگان‌های خط شکن ۴۱[ثارالله] و ۲۵[کربلا] قبل از ما به خط زدند، از اطلاعات و امکانات آنها در پشتیبانی یگان بهره گرفتیم. به‌رحال، میادین مین